

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک
ضامن وحدت جنبش کمونیستی

سیاست انتخاباتی سازمان چریکهای فدایی خلق جلوه‌ای از انحراف روپرتوپستی (۲)

محروم خود متمدّه می سازد و آن را باز خود
گذشته و فدا کاری نمایند بعین دروازه برولتاریا
و پلی پیش می رانند. رون و رون اسکرپسون
بین این افراد نقدیں نهاده اند و از طبقاً نسی
معینی گومینیستی دارد. زمان باز
ما ریکیستی - لینینستی اند روح و سلاح
علی طبقه کارگردانی زرده علمیه سما به داده
ست. قیام پیغام ابدیتگری و مشی هدایت
گذشته این شکل جزو راکیسم - لینینیسم جزو
یکیگری شناوری گومینیستی را تکثیل داده سوسیا
نمی ملکیت ای اخلاقیات ای انتہایی و گزار است.
نهان این بینیت ما تربیت نیزه دیدار کارگردانی
نمی بود. بردا مع اگه گه مهور شکل نیزه و
بوزیر یونینی ای مانند خوش توشه هه ما را کیسم.
لینینیسم و مردانه ای طبقه کارگردانی، بلکه
مزدوری بوزیر و خوب اینها به طبقه کارگردانی
نقابل می باشد. آنچه حزب نواده را تخریج ک
می بندند محور هستی آنرا منحصراً می سازد
با کارگردانی در قبال سوسیا ای امیرا -
نیزم نوروزی، به مسکو کوتاه نه افغان

ما رکنیم گوید: «کمونیستها» هیچ-
توئه منا فی کے ار تفاف کلیہ برو لئارا
ددا باشد، ندارد! [مانیفت] و دفیق!
عینی عنان غافل تاریخی است که کمونیستها را
فردا ورده معتقد کرد و در طابل بوزروزی و
در طبل دشمنان طبقه کارگری جنگ و ایداره
ما سازم زیر یکپاها شدند اس می
کاش بوده و پوتی می کند.

**۱۰- ناشید وجود "دوقا" موسالیم و
کلی روپرتوسیم** : حال پروری افتکه
گذشت آزمان بروولنا ربا تنها بروآ س
بها ن مینیم ما رکنستی - لینینستی میسر
ست، کوچنستیها و بروولنا ربا فقط در مزاره
بلند داشتند رنگارنگ است که تو نشنه
سروری شهای برستند .
لینین می تنویسد :

"شرط اساسی برای شدادرگ پیروزی کامل
برولنا ربا بیشتر سوزدن میباره ای طولانی،

۴- رد ترسوسیا ل امیربا لیسم و نتا شد
شوروی بمنا به یک کشور سوا لیستی و
نیزت اندیشید است توشه طلب نهاد
منا به انتشار سیوون لیسم برولنتری .

انحراف اصلی زمان

چریکهای فدایی در چاست؟

۱- تخریب ابورتوتیستی محور شنکل
[چربان ۲]- در درستهای تخریب امسز
روز بروز پوستی سازمان چریکهای اذاد شی
نایاد گفت آنچه کوستنستها را در شنکلها، ما و
لیستی- شنمندی های چربان کرد هم آورده
و خودت من خشنا مرا هشتی که کارگر از
بروگی رسما به داد و آدمان مقدس بروانلای
خوارقی نیاشد سلاطه در راهه ساز چربان ۳
ساید گفت که این طبق دارای یک خط منتهی
ایمیس و اعدهنی باشد زیست ادر برگرسزده
نیکنکل کوکون کوتی است که کمر و پیشی دارای
سایه های متفاوتی هستند (۴) ولی
آنکه اینها های متفاوتی هستند (۴) ولی
اسلسه مورده بحث اینستکنگ چربان ۴- سار
تفقیت طبق سوم علاوه بر این داعمیو نیست
له ابد شلوغی طبقه کارگر، از آغاز زاده ای یک
مری و پرده گهای شی بوده است که این میل و
ز چربان ۵- و ۶- چربان ۷- منما بنزه مزده است.
این و زیره گهای کار مدد طرح شمسار
ست اندیشی که موده، مکوک اندیش لیستی
رسانید که موده، مکوک اندیش لیستی

هبری طفه کارگر، مرسنی سان منی غیر
برولنتری جوچی، مرسنی سان را روپرسونیسم
بروشهجی، سوسیال امیریا لیسم شوروی و خرب
نهوده خان دن وبا اخوه مرزندی سان شنوری روپرسونیستی
و ارتخای سدها ز احتمله منصبات
سام طبل سومونی باشد. دیدن ترنسپت سان
بنکه محوشکل خیران آرا فقط اعتماد
نه ترسوسیا ل امیریا لیسم شنکل می دهد جز

حریف و قلبه حقاً بجزءیگری نمیست .
نمیتوانستهای مدد چند را آزادی
معنی برقراری کمونیسم است . هرچند که این
شکلکاری نه تنها شرایط کنٹسون حضن کمونیستی
بین کمال علایی از کرونا با تقطیر طبقات
تفقیک را کروکید استنما رطبانی و احادی
کامپونس سی طبقه فراراده اندود داشتند
بین ازمان انقلاب است که آسان راسور

ولی مرتفعتر از این اوضاع ، جزو
سازمان جریکهای داده ای از کارندگاهای
که میتوانست حمایت نمود کرد ۲۴ آن عدم حمایت
به عدم درکار این سازمان از مشغل پویا الذکر
بری مردم کرد و درجه تغییر نیز مبنای این عدم
حتماً باید پورتوپوشیست ، مبنی بر یک ساخت
طبیعتی معنی بوده و این اموازیکو بسا
که این کارکنان بین شاه فتحعلی شاه و پسرش پوشیدن در دوران این
سازمان و از سوی دیگران انتقام را طلبی
کشناختند رسماً که پسر این شاه خواسته
بود که این شاه فتحعلی شاه طبق این
وضع ترا بینکه کارش روپرتوپوشیست طبق این
کام برای سازمان جریکهای داده ای طلاق مانع شده
از آن می کردند این سازمان از کارندگاهای
کار نیروهای ما را کشید - لذتمنیست "خربان
چیز" باید شد نه است -

این مسئله اساسی را بیشتر توضیح می -
بهم :

در این بحث منظور اساسی مانند اینست که
برای سازمان جریکهای داده ای کارندگاهای که میتوانستند
این شاهد ، بلکه روپرتوپوشیست اساسی مانند اینست که
برای همه سنت گزینش باشند طبقاً شی
ست . ما هم خواهیم از این مرعوبت کنیم
بهمیش روپرتوپوشیست ها کام برای سازمان جریک -
ای قدری طلاق مانع اهلی عدم حمایت
مزید در اینجا اتفاق نمیافتد اساسی مانند این
که این کارکنان بین شاه فتحعلی شاه و پسربرادر -
هزار برخیل جو کار مسئله نمیخواست .

محور-تکلیل حربان های و استنده خط ۳
رانی و موسویت اردوگا سوسالیستی
و تسلیح و ترویج نزد روحانی
امیریا لسم تکلیل من دهد این هیماری
ها کسانعهار "مرگ سراسر امیریا لسم" و مری
سرسوسال امیریا لسم "نه میدان آند"
اند، تمثیل حربان اتفاقی هستند
که هردو را دردوگا، را دشنیان طلبکاری هجھا
من شناسد - همه دردوگا سوسالیستی را
وهم را دردوگاه امیریا لسمی را . . . و امن
خطباگ ترس اخراج در خشک مسو -
مسنی ایران است"

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

جزب شوده را روپرسونست قلمداستکرده و آن را درون حسنه کهونیستن فرا می دهد، اگر سازمان جریکها شوروی را دروغ کنوسوساً لستنی و انتقامی خواهند نمود و این ایشان را علیه می دادند و اکنون زمان چریکها در سیاست استخوانی خود را کنند های کهونیست را یعنی دهد بلکه به شما نیست کان افتخار مرتفع و مدهاعان این نظام ضدد استقلاقی را دیدند.... همه این موافعه نیز در حق انسانیست که این بسیار زمان جریکها ای فدا شنی می باشد. این موافع کمال استحرابی بطور منطقی ناشی از کراپش روپرسونستی و نشانات لیبرالی موجود در منسی سازمان جریکها فدا شنی است.

برهمه روشن است که موافق متفاوت و متفاوت دین دوسره را شی از دو فکر متفاوت و می باشد. مسلمان سایر این نیست که از زمان چویزیها علمابد بگذارد طرق داد و را درکیمیست -
مسلمان سایر این است که بعیدیم از زمان چویزیها چند روزی اما را رکیمیست داده و سازمانی که درکی انتقا طی و نیمه روبرو بیرونیستی از را رکیمیست داده تواند داد را موقوف شفاف را رکیمیستی - لینینیستی باشد.
بدین ترتیب مقامه موافق از زمان ما با از زمان چویزیها خلیل سریع روشن می -
کنده چه اخلاقنا ت بزرگی درمشی و موافعی این دو نیمه موجود است. مقام بسیگونایی که در بالا شد این مخفقت بزرگ را اشنا نمی دهد ، او پی سازم این چویزیها این اخلاقنا ت را بطور ابوروشنیستی نمی خواهد بینندو محبت از "ترمیتی" میگذرد.

سازمان پژوهشی گوید:
۱- اگر ترا رنجانی سوسال امپرسا لبیسم
ماعند ندوه، ما رای داد نه این سازمان،
حبابت از آن و همکاری نزدیک تر برآ آن
را مشتمل به سودمندیست کسوپیستی مشتمددم
(منجا)

ما می کوشیم زمان جریکها ناتوان از
ارائه یک تحلیل مارکسیست است، زیرا
و ابطحه دنگ لیکن بدهد هاراست به پیداگیر
نهی بینند، مادرها ناشن مادرگرد رشته
اخصال موافق دروغی و سیاست حاکم است.
بعد از دیدگاه رعایت مکالمه ای اعکس
طبیعی یک مشی و بینش است. تحلیل ما از
مساکل ملی و مبنی علىللی نتیجه خط مشی
حاکم پسرانه ای
موقع مدعوی سوال امیریا لیستی مادر را بخط
دیگر لیکن با بینش مدرغه و بوسیله مامیداند
ما نسبتی کنایت کردی علی و عصی
از ما هبی طبقاتی روزیرو بینمند رند و
نتیجه ای
برورود و دستیند، بنابرگ برخیشی توئندند و کی
مارکسیست از مقوله مسولی امیریا لیست
داشته و از موضعی رولترنی به میز و زهابه
سوالی امیریا لیست دستند.

بنظر ما زمان چریکها ی فدا کشی در مقابله سویا امیریا نیزه ایونی رنده چون در کی علمی ازو روپیزونستیها بعنای سه بک جریان طبق شی موروزه ای نداده اند. ولی از زمان ناگلنه سویا امیریا لیسم موضع داد و در پرا علیه دزدروپیزونستیها مینکندست و این موضع دزدروپیزونستیا امیریا لیستی ما با زتاب نگرش دزدروپیزونستی ما می بشد. اما زمان بریکها این مسئله را در کسری کنده هم روزه علیه یک موضع مخاطبی (مغلوب) اتبل هرچه مزایه روزه علیه بگاه و سنسن دفرکی (علت) آن موضع را طلب می کند باشد. هر گزای طبق ایده ایستاده است، اطبه

پیکارهای از ادی طبقه کرد و در سرخورد شده سوسال اینسا نیم خود را آشنا می شدند.
سامانه اسارتار و از کارگاهی از زارمن و بالا گاههای داد
نحوی و دادنی و اسسه از زارمان ماشنهاد
اس دعماهی و اولی سازمان جزیهای ادی شی
دست به تحریف سورزا شی زند ای ای
زارمان عبارت موجود در برنا محدا قل بعنی
تکه های سوسالیستی و اتفاقیان رخراخی
کرد و دروغ دفعی است که کوارهای تازه ای در
پیام رسانی از زارمان مانت سهست بی ایرانی
لمسن بخود آمد است و این حکمی ای ای ای
نیزی در چهای پیغمازی و لان خود میگذرد اند.

سرا من تحریف استوار می کنند که ما حبیت از
کشورهای سوسیالیستی^۱ سودا و مومی در
پی آنست تاجین افغان^۲ کنده که گواه نمیشود
از اسلام بیکار^۳ کشورهای سوسیالیستی^۴ از
جهله کشورهای اروپای شرقی و تیموری میباشد
ما راه اعلام کرده بیم کشوری بیک
کشور سوسال امیریا نیست موده و رویای
ترفی در برگرداند کشورهای سوسیالیستی
پیش از با شدکه افتادن ن سردا رسما دادوی
اینچنان بحث بررسیدنگ دیدگاه خرافی
است این دیدگاه همان دیدگاه فنا فیضی
ایدیولوژیکی می باشد که از طبق پنهان کردن
مواضع مختلف و مخصوص شنومدهن مرزاها در نصام
زمینه ها و روشون ساختن اختلافات سیاسی -
ایدیولوژیک جاده و معدن داشت بد تحریف و
مارک زنی می زند و در موادی نیز مانند
این مواد باز بودون روشن کردن دلالل
خودی طور کذا ذهنی اعلام "زندگی" موضع مینمایند

بینش درویزبونیستی سازمان معاشر نهی تواند در جماعت سیاست شناخت و عمل کرده باشد تا شرایط شناسداشتگاری اش را بروز بونیستی سازمان چریکیانه تدبیری تواند در مجموعه برترانده و خرگشی این سازمان عمل نکند. ایدلولوژی و سیاست هر چرسان سیاسی در پوشکری های مریبوط به مسائل ملی و سیاسی اسلامی از جریان شناسنخسی و روشنی می کند و اگر سازمان مباری به تحمل طبقی فلسفیت هدف است گاهی از اینجا و در شرایط کشوری حركت خرد و بورزوایی مرده را داده تقلیل اوزایی می نماید. اگر سازمان مانعاً استوار از بزرگی جمهوری دموکراتیک را که این طبقه کارگزار مطابق باشد. اگر سازمان مازنگ بوده و اینک جز بروزی بونیستی و ارجاعی می سورزواشی وواسته به سوسال امپریالیسم شوروی فلذادمی کند. اگر سازمان مانع شوری را که کشور سوسال امریکا را در خانه را ... به عما ربت گرفته است.

امیرا میرزا شیخ و خودتای افغانستان را سک
کودتای ارتقا می‌آورد و سوسال امیرا میرزا می‌بینی
بها به می‌آورد، واگرایان مادر حکمت
سیزده نهضتاً می‌خودد که ندیده‌ای که می‌
نیست و انتقامی رای می‌دهد و کندیده‌ای
طبقات مردمه‌ای معهور ابا بیکوت انتقامی می‌
کند... همه‌ین مواعظ سویش کوئی می‌بینی
و خود را می‌خواهد سویشی سازمان می‌سوارا است.
دریک کلام موضع سیاسی، انگکاری از ادیشو
له؛ و... حاکم ماست.

نوری و مسی کارهای پرورشی
حال آنکه اگر زمان جریکهای خدا شی
برپایه تحلیل سیاست خود را هشت حاکمه دد
انقلابی درخواست "خوب" و "بد" و "می‌فرمودی" و
"ارتجاعی" نیز می‌شدند. اگر زمان جریکهای
با یا تا شرکت‌دادنست سیاست درخواسته و رگان
سرکوب بورژوازی مانندسازی ایاده ران و
هدوچان "خوب" و "بد" خصمی کند. اگر
زمان جریکهای شناس و مدرسو روزگار فرمیستی و
البیری‌ای شناس و دیکتاتوری خان و "تمصار"
و پرسنیستی حاکمیت شد. از طرفی کرد و
امروز شما رنگ و روپرسنیستی "حاکمیت"
دموکراتیک نوهده ها "را مطروح موده و دیدن
ترین بصری طبقه‌ای رنگدار اسلام را
طایفه‌ای می‌دانند. کارهای پرورشی

حال سارمان جریکهای خدا شی حلسو
ساز و موسا زده داده برا لیستن رسها و خد
روزپرسنوت علیه سوسال امیرالاساموتو روی
را - حال تانقیچ مینکند و مددت سوسال
امیراللیسمهمان سوسال لیست است. سازمان
جریکهای قدرت خواه کشتو روی را دوست حلقوها
جی می زندگویی ترتیب آس آس بدمعنان
حلقو می رزید، می کوشمن بین تزلزل و
کوکنا هی غیرسان در می رزدند امیراللیستی

سخنچه منطقی درگ روبزیونستی سازمان
جزیکهاست: همانکه کشوری روبزیونستی
نمیتواند تقدیم کند، اگرچه روانای دوچار خواهد شد.
و نه "تفاوت شناسی از گزینش قوی" میتواند
نمیتواند این سازمان میباشد: سعادت دینی.
ترکش روبزیونستی سازمان جریکها نمیتواند
نمیتواند تبلور در سیاست رعایت میرای لبنتی
و مددجویی را داشته باشد.

کمونیستها را درگ کند، زما ن چرکه ها
عوا فرقیس مینکند و مخون و اتفاق شماره و مبارزه
کمونیستها علیه و بزیر بوسیمه و سویس امیر.
با لیسرور و ارونه حلقوه های هدوانا این تحریر
باز کشیده باشد و باید پذیره کریک کمونیستی برروی
این سان مثل که بزید را زما ن چرکه ها
همسا روزه کمونیستی عالیه شوروی
را خانه های کند، ولی خود و مقابله، این
قدرت تجا وزیر کار می شادد، ساست
رسانه طبلایه ای نهاده کشند و در عرصه
نمایه ای روزه طبقه ای و می خواهد مهربانی
موضع، سنتسلم طبلایه ای خاصه، شاید.

آیا مشی سازمان ما به مشی سازمان جریکهای فد

نژدیک است؟

در ادامه توجهات روز برونوستی سازمان
برسکها سه کتفتای (!?) نازهای رسیده است.
بن سازمان معنقد است که در "برنا مه مدادل"
با مران بیکار و "سویزودر منتهی ساست خارجی
بر این شاهد های نازهای بضم بخورد" زیرا در
برنامه مدادل در حقیقت میتواند از "کشوارهای سوسا -
کوریده است.

مایه هنین طریز بر خود ری سه پوچه شیوه
خرخور کومونستی نمی گوشم. این طریز
خرخور مدنیتی سوت حزب بود و یک شوهر
بود و سورا خواست در مراسم زاره اندیلوویزک
باشد. این شوهر خود ری ای تک

اعیان را مینی کار خود را داد و اینداد
روایات را میند و نمیکش درست و موافع نمی
برواد از دید. مسائل تحریف دند و هزار نیس
نقطه حرکت فرازداد و سپس در هنای خود شروع
نمیکنارای نمیگذد. این نوع سرخوده در
مراسم زاره اندیلوویزک. شلک درین سایه
درین بدهیات خود خدمت می باند.

نه تنها سازمان چربکهای فداشی سلکه کل جنین

ما اعلامی کنیم که امروز سازمان جریکهای
قداشی خلقو "بطور غلطی سه اردواکه" می‌
نمی‌بینیم و بولی چونی که بخودگرفتن
تردیدگی نیش از بین سه این اردواکه می‌
باشد، آری، سازمان جریکهای قداشی راهی
را در تیشن کرده که سرانجام هنوز دیگر سوداب
روزپریستیم تا مبارزه روی پوستن به جمهوری
بورژوازی خواهد بود.

۵۹/۱/۶

کند زدگی، ترسیده و سلیمانی سه اردواکه
سوزروزی گیریست، و سه سوسال - سو -
بیسم مدل نده، باز هزار لحظه
معنوی و حدا رلحاظ سانی سووند خود
راس سوسال دموکراتی کنیه است باز
لحاظ سکلای سرسویمه در این خواهد گشت.

(ابوروسیم وورتکستی
انترباسو نال دوم)

حرسکهای قداشی می‌باشد، ما همان طور که
سازها و سارها درستی مذکورند و هندرار
داده مگر این فوی روزپریستی این
سازمان اینه ترددگ سه طبقه ای در برآید
آن قرارداده است.

لینین در ازیسی از انترباسو نال
دوهم ابوروسیم ورویزپریستیم حکم بر آن
بوقت:

ای بوروسیم در مسیر رشد خوده مرحله

می‌ظنه، ما همان ظور که در قیل سرکفته ایم
این سیاست استخراجی می‌باشد، می‌باشد
ناکهای نیست، این سیاست استگاهان بیک
خط منی و بگیران طبقه ای است اکنامی
که فکر من گشاده من سیاست انجاری در جهاد
سیاست و میتوانی حاکمیت ای میروایت، بخت
در انسا هند، گمی دقت می‌سازه، عملکرد
های این سازمان روش می‌سازدگرینه
احراف همان خط منی حاکم و همان نکره
و گراست حدت باقته رویزپریستی سازمان

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

خجسته باد اول ماه مه (۱۱.۱۱) اردیبهشت روز جهانی همبستگی کارگران



پرچم مبارزه ایدئولوژیک را بر افراسته تر سازیم